



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۱/۰۴



عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت هفدهم)

نقش عقب نگهدارنده متولیان دینی و آموزه های نادرست دینی در برابر زن

دین یا مذهب اساساً عبارت است از مجموعه ای از باور ها، افکار و عقاید انسان ها برای بهتر زنده گی کردن است. به عباره دیگر دین یا مذهب در بیشترین عمر موجودیتش رهنمای انسانها در شاهره انسانیت و قواعد انسانی بوده است و به همین ملحوظ در گذشته ها شاهان و حاکمان در عین زمان متولیان دینی هم بودند زیرا در آنزمان ها هنوز دولت های مدرن با قوانین پیشرفته تنظیم کننده امور اداره، مردم و کشور ها پا نگرفته بود و یا به باور دیگر دین مجموعه ای از روش ها و نظام های فرهنگی، باور ها و جهان بینی هایی است که با ایجاد نماد ها و سمبول ها انسان ها را به ارزش های معنوی و روحانی مرتبط می گرداند. و یا به زنده گی معنی می بخشند، در بسا ادیان خاصاً

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

در دین اسلام به هستی‌شناسی پرداخته شده و در باره ماهیت انسان و جهان هستی ایده‌های ناب ارائه داده اصول اخلاقی معین برای بهتر زنده‌گی کردن انسان‌ها مطرح می‌دارد. به قول الکسیس کارل Alexis Carrel (۱۸۷۳ - ۱۹۴۴) جراح و فیزیولوژیست مذهبی فرانسوی دین عبارت از وجدان انسان است که گاه و بیگاه انسان‌ها را متوجه خطاهای شان می‌گرداند و چون مشعل فروزان در کج راهی‌ها و گمراهی‌ها به انسان‌ها یاری می‌رساند. همچنان می‌توان گفت که دین پس از ملت، دومین عامل احساس هویت انسان در جهان به شمار می‌رود.

دین اسلام از همان منبع و اساسش بر محوریت انسان و محوریت عقل بر نابرابری‌ها و اشرافیت آن‌زمان بنیان گذاشته شد، به قول حضرت محمد (ص) پیغمبر اسلام اولین آیه دینی (اقرأ به اسم ربک الذی خلق) نازل گردید، یعنی بخوان به نام خدا (ج) که خواندن اثباتی است بر عقل محوری این دین و به نام آن خدایی بخوان که خلق کرده خلقت آفریده، که اثباتی است بر خلقت محوری و انسان محوری دین اسلام. ولی بعد از متولیان یا تیکه‌داران اسلام سیاسی اشرافیت جدیدی را به نام اشرافیت دینی ایجاد کردند و از همان آغاز دین را منحصراً وسیله مؤثر برای استحکام نظام مردسالاری سوء استفاده کرده و با تحریف احکام دین در باره مساوات و برابری حقوق زن و مرد دین را به بیراهه کشانده و از آن بهره‌برداری‌های سیاسی کرده و برای آسمانی ساختن سلطه مردسالاری و غصب غیر انسانی حقوق زنان و اهداف جهان‌گشایی و استعماری خویش دین را چون سلاح بُران محکم در دست گرفتند.

با آنکه دین اسلام در میان ادیان ماقبلش به نام دین صلح، مصالحه و سجایای برتر انسانی و برابری حقوق انسانی یکسان برای مرد و زن شهرت فراوان داشت، هدایات پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) مبنی بر اینکه بهشت زیر پای زنان است، ننگ و عار بر دختران تازه متولد و کشتن دختران را حرام قرار داد و تجاوز به زنان را قذف عمومی کرد، خرید و فروش زنان را در بازار برده‌فروشی و سیستم برده‌داری را حرام قرار داده و به مسلمانان امر آزادی برده‌هایشان را صادر کرد، او همچنان تعلیم را بالای مرد و زن یکسان فرض و امر خداوند (ج) معرفی کرد، او همچنان به زنان حق مالکیت، حق کار و حق انتخاب شوهر را طی دساتیر متعدد رسمیت قرار داد و خود در زمان حیات اش آنرا رعایت می‌کرد ولی در جاهاییکه اعراب این دین را که دیگر کاملاً غرض بهره‌برداری سیاسی مورد سوء استفاده قرار داده بودند و بزور سر نیزه و بوسیله جنگ‌های خانمان بر اندازمنجمله در کشور ما افغانستان تحکیم بخشیدند اولین نشانه‌های حاکمیت شان همانا تحکیم سلطه مردسالاری و ترویج فرهنگ تعدد زوجات و کنیزسازی زنان را شامل می‌گردید. یعنی به هر پیمانۀ که شخص صاحب اقتدار می‌بود به همان تناسب کنیزان بیشتر در حرم اش خدمت‌گذاری می‌کردند.

در کشور ما بنا بر وابستگی این دین به اعراب و سرداران عرب و تغذیه مداوم فکری پیشوایان، متولیان و مسؤولین دینی از جانب اعراب در طول زمان موجودیت اش تا کنون به حیث وسیله بازدارنده انکشاف فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ظلم بی حد و حصر بالای مظلوم‌ترین قشر جامعه یعنی زنان مورد سوء استفاده قرار گرفته است. مردم ما را زیر نام مذهب کور کورانه برای تحقق سیاست‌های استیلا گرانه و ترویج فرهنگ عرب مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند.

لشکر کشی‌های اعراب بیشتر به منظور تحت سیطره در آوردن سرزمین‌های بیشتر، وصول غنایم جنگی در این میان از همه مهمتر به اسارت گرفتن زنان منحصراً کنیز و مردان منحصراً غلام و برده مد نظر بوده است، که این سیاست تا همین اکنون به شدت جریان دارد. خبر نگاران و تهیه‌کننده گان فلم‌های مستند و خبری از کشور های دنمارک، بلجیم، سویدن و چند کشور دیگر راپور تاژ های غم‌انگیزی را از کمپ‌های مهاجرین افغان در پاکستان در سالهای واپسین دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی تهیه کرده‌اند که در آن دختر فروشی سازمان یافته رهبران تنظیم‌ها در این کمپ‌ها به اعراب را به نمایش می‌گذارد. این کار در جریان جهاد افغانستان به شدت وجود داشت و با

تأسف که تا اکنون در گوشه و کنار کشور ما جریان دارد. همچنان در جریان جنگ سوریه در لبنان و در کشور های آفریقایی گزارشات مستند از مداخله اعراب بوضاحت نشان میدهد که در پهلوی اهداف استراتژیک اعراب در کشور های آفریقایی و آسیا مسئله تحت سیطره قرار دادن زنان یکی از شاخص های اهداف این مداخلات میباشد. به این ترتیب متولیان دین اسلام در کشور ما که پیوسته از زبان، فرهنگ، باور ها و تاریخ عرب تغذیه شده و تعلیم میگیرند پیوسته فرودستی زن، وابستگی زن، ناتوانی زن، بی حقی و کم حقی زن تا سرحد انسان نبودن زن را در جامعه ما و در میان مردم از طریق منبر مساجد و خطابه های دینی و مدارس دینی افراطی تبلیغ میکنند که تأثیرات بس ناگواری را در ذهنیت مردم ما بجا گذاشته و سلطه مرد سالاری را روز تاروز در جامعه نا آگاه و کم سواد ما مستحکمتر میگرداند. با آنکه بر اساس سنت های بومی از گذشته های دور باور های دینی و فرهنگی مردم ما مادر اسطوره تقدس و نماد مقدس و قابل پرستش بوده است اما با این تبلیغات دینی باور های مردم دگر گون شده و بر سیطره جامعه مرد سالار عمر طولانی تر میبخشد. این تلقیات و تفسیر های تحریف شده و نادرست متولیان دینی از احکام دین اسلام برای تحکیم سلطه مرد سالار در جامعه ما باعث شده است که مفردات انسان اندیشانه دین اسلام که برای آزادی زن و برابری حقوق زن بیان گشته است نیز در کلیت زن ستیزی دین اسلام مفقود گشته و این دین را در جامعه در بست دین زن ستیز معرفی میدارد. در اسلام محافظه کاران مذهبی با تحریف آیات قران عظیم الشان و احادیث نبوی موقعیت زن را فرودست و نابرابر نسبت به مرد معرفی میدارد و با روشهای چند همسری و تعدد زوجات، ازدواج های نابرابر، نکاح نابرابر، شرایط نابرابر طلاق، میراث نابرابر، شهادت نا برابر، حقوق نابرابر در داشتن املاک، حقوق نا برابر در سیر و سفر، حقوق نا برابر در کار و اعمال روز مره در زنده گی زن محدودیت وضع کرده و همه این نابرابری ها را به حکم شریعت و احکام دین بر جامعه تحمیل میکنند. که هیچ عالم دین نمیتواند خود را از این جال عنکبوت تفاسیر سنتی و محافظه کارانه زن ستیز دین که طی قرون متمادی اعراب و اعجام آنرا به حیث حکم قرآن به مردم تبلیغ کرده اند وارهاند. با آنکه عده از تنیولوگ ها و دانشمندان اسلام شناس سعی بر آن دارند تا در جریان مدرن سازی اسلام نظریاتی را غرض حقوق برابر برای زن و جایگاه اجتماعی اش مطرح کنند اما این نظریه پردازی ها تا زمانیکه پوتانسیل و ظرفیت های اجراییی نداشته باشد باور های مردم را به خویش معطوف نمیدارد.

باور بعضی از جامعه شناسان این است که در دین اسلام و سایر ادیان سماوی هیچ نوع محدودیت برای زنان مبنی بر مشارکت شان در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود ندارد. زیرا در شبه جزیره عرب قبل از ظهور اسلام دختران تازه متولد را زنده بگور میکردند، فرهنگ تعدد شوهران و تعدد زنان یا بعباره دیگر چند شوهری و چند زنی قبل از اسلام وجود داشته است و با ظهور اسلام زنده بگور کردن نوزادان دختر قدغن شد و پرداخت مهریه برای شوهر الزامی گشت و زنان حق مالکیت و میراث را پیدا کردند که قبل از اسلام زنان در جوامع اعراب و سایر حصص جهان از این حقوق برخوردار نبودند. اما توماس ای. اسپرینگز Thomas A. Sprangens (۲۵ اپریل ۱۹۱۷ – ۱۱ فیروری ۲۰۰۶) استاد علوم سیاسی در پوهنتون های امریکا و در بین سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ رئیس سنتر کالج امریکا و نویسنده کتاب فهم نظریه های سیاسی و اجتماعی که نظریات بسیار مبسوطی در باره نظریه پردازی های سیاسی – اجتماعی و اقتصادی ارائه کرده است و راه های خوشبختی انسان را در آن نشانی کرده است در این باره میگوید:

در جوامع اسلامی و جوامع سنتی « مرد نان آور و زن خانه دار » شناخته میشود، وظیفه و اولویت اول زنان را امور مربوط به خانه داری و مراقبت از کودکان بوده و همین نظام تقسیم کار نا عادلانه باعث کاهش مشارکت زنان در بازار کار میشود. ازاینرو، ساختار خانوادگی (تعداد فرزندان خردسال یا افراد مسن، تعداد مردان بزرگسال در خانواده و...) بر میزان اشتغال زنان در تأکید بر مؤلفه های فردی متأثر از فرهنگ، دینداری را عامل تأثیرگذار است.»

از نظر سپرینگز اختیار زنان از موقعیت هایی که در آن مردان حضور دارند و اثر متقابل آن باکناره گیری از این فضا محرومیت هایی ایجاد میکنند و این باعث میشود تا در کشورهای اسلامی مردان برای حضور زنان در فضای عمومی محدودیت هایی وضع میکنند که به طور سیستماتیک این قشر از بازار کار حذف شوند. همچنان با طرح القاب بسیار عاطفی زن را مسئول بارداری، بچه داری و نگهداری فرزندان و بزرگسالان خانواده تعیین مسئولیت میکنند.

مردان نه تنها خود به این مامول مبادرت میورزند بلکه دین و آنهم دین رادیکال و بنیادگر را که با هر نوع ارزش های جامعه مدرن و پیشرفت و ترقی در مخالفت خونین قرار دارد به کمک خویش گزیده اند. با آنکه آنتونی گیدنز Anthony Giddens (۱۹۳۸) فیلسوف و جامعه شناس انگلیسی به این باور است که جامعه دیموکراتیک مدرن بلاخره بر تحجر و سنت فایق می آید و در آخر کار پیروزی از آن مدرنیته و دیموکراسی است. اما در کشور ما که اکثریت باشندگان آنرا مردم باورمند کور کورانه به مذهب و سنت پذیر اند و در سالهای اخیر حکومت ها هم بی ثبات، دست نشانده و فساد گستر اند، آماده ساختن بستر فرهنگی و مردمی برای ترتیبات جامعه مدرن و رهایی زن در این بستر از مردسالاری و استبداد مذهبی بنیادگر کاریست بسیار دشوار که مستلزم بیداری و آگاهی مردم میباشد. بنیادگرا های افراطی مذهبی در شرایط موجود کشور ما با استفاده از اختیارات قانونی مبنی بر آزادی بیان عده قابل توجه مردم ما را که بنابر خصلت فطری قانون گریز و متمردهستند در زیر لوای مدارس مذهبی و اندیشه های افراطی مذهبی دقیقاً در مقابل مدرنیته و پیشرفت قرار میدهند و از آنها هر روز طالب سازی میکنند که فقر و تهیدستی مردم نیز رول با اهمیتی را در این زمینه بازی میکند.

همچنان یکی از زنان پیشتاز مصری نوال السعداوی در طلیعه اثر مشهور خود چنین مینگارد: « رنج مشترک ناشی از میراث استعمار های کهنه و نو با نامهای استبداد داخلی و خارجی همدست استعمار و دشمنی خلق ها، را در تاریخ مشترک مان احساس کردم. ما همچنین از موقعیت نازلی که در جوامع اسلامی ما بر زن و بخاطر زن بودنش تحمیل شده مشترکاً رنج میبریم. بسیار اند کسانیکه سعی دارند موقعیت نازل اجتماعی زن را به حساب اسلام بگذارند. ولی اسلام در جوهر خویش داعی بسوی عدالت، آزادی و برابری بود، امتیاز بین زن و مرد و عرب و عجم را نفی میکرد. این جوهر انسانی است.» نوال السعداوی منحنی طبیب مهربان با نمونه های فراوان زنان و خانواده های آنان مواجه شده و با تحلیل واقعیت هایی که ناظرش بوده نگاشته است او در یافته که نباید مسایل زنان را تنها از دید مذهب و یا در محدوده خانه و پرورش اطفال مورد ارزیابی قرار داد بلکه مسئله زنان مستلزم آنست تا آنرا از اعماق ریشه های اولی فرهنگ مرد سالار مورد کاوش و پژوهش قرار داده و راه های اساسی برای دستیابی زنان منحنی انسان آزاد، کامل الحقوق جامعه جسجو دریافت کرد.

اکثریت جامعه شناسان، مردم شناسان و علمای علم اقتصاد به این باور اند که در جهان ما بنای هر تمدن، ترقی، پیشرفت و رفاه هر کشوری صد ها عامل گوناگون و بسیار بغرنج ملی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اتنیک داشته که برای هر کدام رئیس جداگانه و همانطور بغرنج و پیچیده در کار است اما یک چیز در همه این عوامل کاملاً مشهود است اینکه نیمی برابر این همه عوامل مربوط زن بوده و آن نیم دیگری که مربوط مردان هم میگردد که آنها هم از این نیمه بحیث مادرش متأثر میباشند. تاکنون در کشور ما این حلقه مفقود بوده و سیاست کاران، نخبگان امور اجتماع و مسئولین کشور ما بنابر دلایلی که در مباحث پیشتر از آن ذکر کردم و طی عنوان های بعدی بشرح بیشتر آن میپردازم به آن توجه جدی مبذول نداشته اند. امروز نیز متولیان دین و سنت گرایان مذهبی بدون توجه به این درد جانکاه اجتماعی یعنی زدودن نیم پیکر بسیار ارزشمند جامعه یعنی زنان از مشارکت در کلیه امور زنده گی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منحنی موجود متساوی الحقوق که بلاثر آن همه جامعه معیوب گشته و در زیر چتر معیوب جامعه همه جامعه و خود متولیان دینی و سنت پسندان مذهبی هم رنج میکشند ورنج میبرند اما بنابر فرهنگ حاکم مرد

سالار این جامعه پر از ذلت، اختناق و رسوایی را قبول کرده و هنوز هم فتوی های ناشرعی را در قلب شرع به مردم بازگویی میکنند. یعنی یقیناً عوامل باز دارنده ای را سیستم حاکمیت مرد سالار در جامعه نهادینه کرده است و یا نهادینه میکند که مشارکت زن در اجتماع را زیر تأثیر مذهب، عواطف، احساسات و سایر عامل ها مانع گردد. پایان قسمت هفدهم (ادامه دارد)